

گزارشی تحلیلی از شکاف در جنبش راست

انشقاق در انشقاق



شد و سرانجام چهره‌های متنوعی از آنها اعلام کاندیداتوری کردند. علی لاریجانی، علی اکبر ولایتی، محسن رضایی، محمود احمدی نژاد، محمدباقر قالیباف و احمد توکلی افرادی بودند که قدم به عرصه انتخابات گذاشتند و هر کدام حمایت طیفی از راستگرایان را پشت سر داشتند. این وضعیت باعث شد که متفکران و سیاستمداران راستگرا به واسطه تنوع دایره کاندیداتوری اردوگاه راست، از نتیجه آرا احساس خطر کنند و دست به کار ایجاد وحدت برای رسیدن به یک نامزد واحد شوند. به همین دلیل دو همایش در مرکز همایش‌های صدا و سیما برگزار شد که نتیجه آن تنها عیان تر شدن اختلافات بود. «محمود احمدی نژاد» شهردار وقت تهران با این استدلال که به هیچ حزبی تعلق فکری و عملی ندارد و خدمتگزاری را بر حضور در جلسات سیاسی ترجیح می‌دهد، از حضور در این دو همایش سر باز زد. علاوه بر این هیچ کدام از کاندیداها به نفع دیگری کنار نرفت. تنها «علی اکبر ولایتی» از ابتدا اعلام کرده بود قصد رقابت با هیچ کاندیدای روحانی ندارد. او با این جمله از ابتدا مشخص کرد در صورت حضور «اکبر هاشمی رفسنجانی» در عرصه رقابت، از نامزدی انصراف می‌دهد که البته همین اتفاق هم افتاد. او به دلیل اعتراض به عملکرد شورای هماهنگی و به نفع هاشمی، از ثبت نام در انتخابات صرف نظر کرد. از سوی دیگر «علی اکبر ناطق نوری» وارد عرصه شد و با شیخوخت و ریش سفیدی، شورای هماهنگی نیروهای انقلاب را فعال کرد؛ شورایی که «غلامعلی حدادعادل» رئیس مجلس و «محمد رضا باهنر» نایب رئیس مجلس و دبیر کل جامعه مهندسین هم عضو آن بودند تا شاید نتیجه‌ای حاصل شود. شورای هماهنگی پس از بحث فراوان سرانجام «علی لاریجانی» را به عنوان نامزد نهایی معرفی کرد. این انتخاب بازتاب‌های بسیاری داشت و اعتراضاتی را متوجه سران جناح راست کرد. حجم انتقادات به گونه‌ای بود که روز بعد از این تصمیم، لاریجانی اعلام کرد از شورای هماهنگی درخواست کرده در نظرات خود تجدیدنظر کنند. اما هنگامی که باهنر، رئیس اجرایی شورای هماهنگی بر نظر خویش اصرار کرد، لاریجانی گفت که حاضر است در صورت اجماع میان نامزدهای دیگر، به نفع کاندیدای نهایی انصراف دهد.

از آن طرف چهار کاندیدای باقی مانده یعنی محمدباقر قالیباف، محمود احمدی نژاد، احمد توکلی و محسن رضایی نیز بی‌کار ننشسته بودند. آنها با مخالفت نسبت به تصمیم شورای هماهنگی نیروهای انقلاب، «میثاق نامه» ای را بین خود به امضا رساندند که بر مبنای آن باید طبق نتیجه نظر سنجی‌ها هر کدام که مورد اقبال بیشتری قرار گرفت، دیگران به نفع او کنار روند. اما این تدبیر هم موثر نیفتاد و امضاکنندگان به میثاق وفادار نماندند.

در این میان شیخ ناطق نوری نیز با کارشکنی جوانان، به قهر شورای هماهنگی نیروهای انقلاب را ترک کرد و رسماً از حضور فعال در سیاست کناره‌گیری کرد. این موضوع سبب شد که اختلافات به سطح بالاتری برسد و هیات سه نفره‌ای تشکیل شود تا مشکلات برای رسیدن به تفاهم حل شود. روزنامه جمهوری اسلامی هم نوشت که برخی بزرگان جناح راست تلاش‌هایی را برای رسیدن به وحدت آغاز کرده‌اند. از علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان، احمد جنتی دبیر شورای نگهبان و محمد رضا مهدوی کنی دبیر کل جامعه روحانیت مبارز به عنوان اشخاصی نام برده شد که برای باز کردن گره کور جنبه راست با برخی از نامزدها وارد مذاکره شده‌اند. اما هیچ کدام

حتا پیش از آنکه انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری پرده از اختلافات اردوی راست بردارد، انشقاق در میان آنها آغاز شده بود. همان زمانی که راست‌گرایان ناپاورانه بر کرسی‌های شوراها تکیه



فریون امیرشاهی

زدند، نگرانی و شکاف در جبهه آنان هویدا شده بود؛ چرا که پیام پیروزی اصولگرایان در انتخابات اسفند سال ۸۱، تولد گروه جدیدی از بطن جنبش راست بود که در فاصله شکست این جنبش در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری و دومین دوره شوراها، شکل گرفته بود. این گروه - که به راست رادیکال معروف شدند - طیف جوانان راستگرا بودند که پیران سنتی را بر نمی‌تابیدند؛ پیرانی که سال‌ها با تکیه بر حوزه‌های علمیه و بازار، برنامه‌ها و خواست‌های خویش را پیش برده بودند. اما طیف تازه متولد شده، برخلاف پیشینیانش تجددخواه، آرمانگرا و پوپولیست بود و قصد داشت شکست‌های پیشین اردوگاه راست را یکشبه جبران کند. این چنین بود که در سال ۸۱ پدران خویش را جا گذاشتند و با رایبه لیستی از گروه جوان خویش، به عرصه سیاست وارد شدند و رسماً ظهورشان را اعلام کردند. این طیف نام آبادگران را برای خود برگزیدند و بلافاصله از طرفداری گروه‌های رادیکال دیگری همچون ایثارگران انقلاب اسلامی، برخوردار شدند. یارگیری جوانان اصولگرا برای آنها برداشتن گام موفقیت‌آمیز بعدی و ورود به مجلس شورای اسلامی را به ارمان آورد. آنان در غیبت گسترده اصلاح‌طلبان به واسطه رد صلاحیت‌های گسترده از سوی شورای نگهبان، به راحتی بر صندلی‌های پارلمان تکیه زدند. در انتخابات مجلس هفتم نیز سهمی برای راست سنتی یا همان محافظه‌کاران در نظر گرفته نشد. در واقع راست رادیکال ابایی از مخالفت با مشی طیف سنتی نداشت. این وضعیت گاه‌وب‌گاه تنش‌هایی بین طرفین به وجود آورد، اما تجربه و تدبیر طیف قدیمی و اصیل‌تر



راستگرایان مانع از آن شد که اختلاف‌ها از پس پرده به صحنه بیاید. با این حال وضعیت فوق تنها تا آغاز رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری نهم دوام آورد؛ چرا که با شروع فصل انتخابات، اختلافات در جبهه راست مثل بمب منفجر شد و خساراتی جبران‌ناپذیر بر جای گذاشت.

رقابت‌های انتخاباتی خیلی زود و در زمستان ۸۳ شروع شد. در آن زمان زمزمه‌هایی از کاندیداتوری چندین نفر از چهره‌های این جناح به گوش می‌رسید ولی هیچ کدام تأیید نمی‌شد. افرادی که از طیف‌های سنتی و رادیکال جناح راست بودند و همین مساله پیام‌آور شکاف گسترده‌ای در این جناح بود. چنین هم

از این راه‌ها نتیجه بخش نبود و در بر همان پاشنه می‌چرخید.

در این بین اتفاق غیرمنتظره‌ای افتاد. توکلی از رقابت انصراف داد. او در بیانیه خویش علت انصرافش را بلاتکلیفی مردم و خطر تشکیل دولتی که روند ۱۶ سال گذشته را در اداره قوه مجریه ادامه دهد، عنوان کرده بود. به این ترتیب توکلی ظاهراً به قصد حاصل شدن وحدت در جبهه راست و در باطن برای جلوگیری از ورود هاشمی رفسنجانی به قوه مجریه، رفتن را به ماندن ترجیح داد. رفتن او اما چیزی از اختلاف‌ها کم نکرد.

هنوز علاوه بر لاریجانی و محسن رضایی، دو رقیب جدی یعنی محمدباقر قالیباف و محمود احمدی نژاد مقابل هم قرار داشتند. لاریجانی حمایت جامعه روحانیت مبارز، حزب مؤتلفه اسلامی و جامعه مدرسین را پشت سر داشت، اما قالیباف و احمدی نژاد هر دو از طیف رادیکال راست به حساب می‌آمدند و هر کدام از سوی بخشی از آبادگران و ایثارگران انقلاب اسلامی حمایت می‌شدند.

رقابت این دو بخش در دل طیف رادیکال، جرقه‌های انشقاقی دیگر در انشقاق پیشین بود که بعدها پررنگ‌تر شد. جوانان جنبش راست که با پشت سر گذاشتن راست سنتی به قصد قدرت‌گرایی وارد عرصه سیاست شده بودند، در میان خویش نیز دچار اختلاف نظر شده بودند و نمی‌توانستند بین قالیباف و احمدی نژاد، یکی را برگزینند.

وضعیت به گونه‌ای شد که ۱۲ روز مانده به انتخابات، اصولگرایان نتوانستند از میان چهار نامزد انتخاباتی خویش به نتیجه برسند و محمد رضا باهنر ناچار شد در توضیح علت عدم دستیابی به تفاهم بگوید که «من پاسخ مناسبی ندارم و تنها عذر خواهی می‌کنم».